

دیدگاههای توسعه جهانگردی در نظام جمهوری اسلامی ایران

دکتر احمد پوراحمد - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران

چکیده

طی سالهای اخیر، توسعه جهانگردی با تکیه بر پتانسیل‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی کشور، مورد توجه مسئولان قرار گرفته است؛ لیکن مشکلات فراوانی در این راه بچشم می‌خورد. بنظر می‌رسد قبل از هر موضوع دیگر، روشن نبودن اهداف و استراتژی جهانگردی کشور بطور شفاف و عدم دیدگاه واحد و مورد اتفاق همگان در این زمینه، سبب عدم تمرکز فعالیتها و عدم هماهنگی در توسعه این بخش گردیده است. در این مقاله، اهم دیدگاههای موجود درباره توسعه جهانگردی در نظام جمهوری اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در خاتمه نتیجه‌گیری بعمل آمده است.

واژگان کلیدی: ایران، توسعه اقتصادی، توسعه پایدار، توسعه جهانگردی، توسعه فرهنگی

مقدمه

صنعت جهانگردی کشور، با وجود ظرفیت و توان بالقوه و برخورداری از پشتوانه میراث تاریخی - فرهنگی غنی و جاذبه‌های متنوع جغرافیایی و اجتماعی، متأسفانه نتوانسته است تا جایگاه شایسته خود را بدست آورد. در رژیم گذشته، وابستگی و سود حاصل از فروش نفت، دولت را نسبت به درآمد جهانگردی بی‌توجه ساخته بود. جهانگردی کشور قبل از انقلاب اسلامی نه تنها بازده اقتصادی نداشت، بلکه بلحاظ فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای منفی نیز در بر داشت. بی‌بند و باری و زشتیهای حاصل از جهانگردی لجام گسیخته در کشور، سبب گردید که پس از انقلاب اسلامی بسیاری از مراکز توریستی و مهمانسراها و هتل‌ها بعنوان مراکز و مکانهای ناسالم و فاسد مورد هجوم و حمله مردم قرار گیرد. برای نمونه می‌توان به دهها خوابگاه دانشجویی که قبلاً محل اقامت جهانگردان بود و پس از انقلاب به تصرف دانشجویان درآمد، بعنوان شاهدی بر مدعا ذکر کرد. با بروز جنگ تحمیلی و تداوم آن در طول ۸ سال، رکود فاحشی بر این صنعت حاکم شد. سرمایه‌گذاری و توسعه تجهیزات مورد نیاز توریسم نه تنها متوقف و فراموش شد، بلکه بسیاری از مراکز توریستی و مهمانسراها بدلیل اولویتهای جنگ تحمیلی، در اختیار ارگانهای نظامی و مرتبط با جنگ قرار گرفت. در کنار این مسائل، تبلیغات سوء خارجی در سطح بین‌المللی برای منزوی کردن جمهوری اسلامی ایران انجام گردیده و مهمتر از همه مشخص نبودن «اهداف

و سیاست‌های جهانگردی» و ایرانگردی بنحوی که راهگشای ادامه فعالیتها در این زمینه باشد، بعنوان مهمترین عوامل بازدارنده و رکود جهانگردی در قدم اول و قبل از سایر مشکلات بشمار می‌آیند (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۹، صص ۲۴ - ۱).

پس از جنگ تحمیلی و آغاز حرکت بازسازی و سازندگی کشور، «احیای صنعت جهانگردی» در جهت تحقق اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد توجه دولت قرار گرفت. معرفی و عرضه دستاوردها و ارزشهای انقلاب اسلامی و لزوم تحکیم و گسترش روابط با ملت‌های جهان و بویژه جهان اسلام و نیز ابعاد اقتصادی و اشتغال‌زایی این صنعت، موجب توجه نظام جمهوری اسلامی ایران به جهانگردی گردید و بدین جهت، توسعه جهانگردی در برنامه اول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور مورد توجه قرار گرفت؛ اگر چه در این زمینه آراء و نظرات متفاوتی مطرح شده است.

روش بررسی

با توجه به شرکت نگارنده در تهیه و تدوین مرحله نخست طرح جامع جهانگردی کشور، طی جلسه‌های متعدد و مفصل بحث و تبادل نظر که با حضور صاحب‌نظران و اندیشمندان کشور در زمینه اهداف و استراتژیهای نظام جمهوری اسلامی ایران در توسعه جهانگردی کشور بعمل آمد، سعی شده است که با استفاده از روش اسنادی، ضمن جمع‌بندی مصاحبه‌ها و مباحث و سپس تکمیل آنها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و ملاحظه منابع مربوط به برنامه‌های تدوین شده جهانگردی کشور، به ارائه مقاله حاضر پردازد.

اهم دیدگاه‌های موجود توسعه جهانگردی کشور

الف - دیدگاه توسعه فرهنگی (جهانگردی مشروط)

در ابتدا با نظر برخی بعنوان «مخالفین» توسعه جهانگردی بی‌قید و بند رایج در دنیا و بویژه کشورهای توسعه یافته جهان که سهم غالب جهانگردی در دنیا را بخود اختصاص داده است، روبرو می‌شویم. پیروان این دیدگاه با تکیه بر اولویت نقش و هدف توسعه فرهنگی در جهانگردی و «ناسازگاری و عدم سنخیت فرهنگ و دین اسلام» با «بی‌بند و باری و عیاشی» با اشاره به مشاهده بی‌بند و باری جهانگردان و فساد و ابتذال حاکم بر آشفته بازار صنعت جهانگردی قبل از انقلاب اسلامی و لجام گسیختگی و بی‌بند و باری رایج در توریسم بین‌الملل و جاذبه‌های جنسی، قمار، شرابخواری و مواد مخدر در آن، معتقدند که بدلیل اهداف و رفتار «توریست‌های خوشگذران» و بویژه جهانگردان غربی، آنان ابزار و عامل «تهاجم فرهنگی اند» که بتدریج زمینه مسخ «فرهنگ ملی» و «ارزشهای مقدس انقلاب اسلامی» و «ترویج ارزشهای فرهنگی غرب» و «آلودگی فرهنگی» کشور را فراهم می‌نمایند و حتی محیط زیست را به نابودی می‌کشند. بنابراین در مورد توریسم، بویژه توریسم جوانان، احتیاط و پرهیز بخرج داده و در خط مشی‌ها و سیاست‌گذاریها، خطرات احتمالی را که می‌تواند متوجه کشور، بویژه قشر جوان آن باشد، مدنظر قرار داده‌اند. لذا این گروه با هدف رشد وحدت ملی و تفاهم بین اقوام و ارتقاء سطح آگاهی مردم، از توانمندیهای کشور و ایجاد علاقه به آب و خاک به «ایرانگردی» تاکید می‌نمایند. این گروه، توسعه و رشد نهایی جهانگردی را در چارچوب ارتباطات و موازین اسلامی برای نزدیکی بیشتر امت جهانی اسلام و کشورهای اسلامی با هدفهای

معرفی ارزش‌های علمی و فرهنگی، تاریخی و مذهبی و نزدیکی و مرادفه فرهنگی با کشورهای همسایه و گسترش تفاهم بین‌المللی توصیه می‌نمایند. لذا این گروه معتقدند که توسعه جهانگردی باید طبق موازین اسلامی و با هدف توسعه فرهنگی باشد؛ زیرا در شرایط موجود بدون در نظر گرفتن منابع لازم و تعیین و تخصیص آن، هیچ برنامه‌ای تحقق نخواهد یافت. در این بخش باید تقاضای جهانگردی با زوایای مختلف آن بررسی شده، عرضه جهانگردی و امکانات و تسهیلات زیربنایی موجود مطالعه و آثار اقتصادی آن در جامعه روشن شود (وزارت برنامه و بودجه، همان).

ب - دیدگاه توسعه اقتصادی (حداکثر سود)

علاقمندان به توسعه بدون قید و شرط جهانگردی کشور، در پاسخ معتقدند که در سطح دنیا اکثر مردم و جهانگردان می‌دانند که در نظام جمهوری اسلامی ایران «ضوابط و معیارهای اسلامی» حاکم است و امکان بی‌بند و باری و رفتارهای مغایر با شئون اسلامی در آن جایگاهی ندارد. از طرفی بر اساس «مقررات بین‌المللی جهانگردی»، هر جهانگرد موظف است «ضوابط و مقررات اجتماعی» کشور «میزبان» را رعایت کند و به حریم و آداب و رسوم و سیاست‌های فرهنگی آن احترام بگذارد. لزوم توسعه روابط میان کشورها و انجام مبادلات فرهنگی، علمی و رونق اقتصادی جهت افزایش درآمد ارزی، بهبود تراز بازرگانی خارجی در بخش جهانگردی، ایجاد فرصت‌های شغلی سالم، کسب درآمد و توسعه مناطق محروم و توزیع متعادل درآمد میان گروه‌های درآمدی در مناطق مختلف و ... توسعه جهانگردی را بعنوان «صادرات نامرئی» اجتناب ناپذیر ساخته است؛ چنانچه امروزه صنعت گردشگری یکی از صنایع پیشرو اقتصادی در سطح دنیاست.

بازاریابی و جوانب اقتصادی در توسعه جهانگردی کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا توسعه کامل، بدون توجه به بعد «فرهنگی» و در نتیجه، بدون «احترام به هویت فرهنگی ملت‌ها» تحقق نخواهد یافت. هویت فرهنگی در ارتباط و تماس با سنتها و ارزشهای ملل دیگر، پربارتر می‌شود و امکان تعالی و رشد انسان را افزایش می‌دهد. کشور ایران دارای ویژگیهای فرهنگی و مذهب رسمی شیعه جعفری است؛ بنابراین یکی از اهداف اساسی توسعه جهانگردی باید مبادله فرهنگی، آشنایی با تمدنها و حفظ هویت فرهنگ اسلامی باشد (دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵).

بنابر پیش‌بینی سازمان جهانی جهانگردی، آمار جهانگردان بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ به ۷۰۳ میلیون نفر و درآمد آن به ۶۲۱ میلیارد دلار خواهد رسید (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵).

این ارقام همچنان در حال افزایش است و از نظر اقتصادی دنیا را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد. در صورتیکه این صنعت در کشور ما از رشد متناسبی برخوردار شود، درآمد ارزی حاصل از آن می‌تواند جایگزین بخش مهمی از درآمدهای حاصل از نفت (که نوسان قیمت آن سبب بروز بحران و ایجاد مشکلات اقتصادی در کشورهای وابسته بدان گردیده است) بشود. از طرف دیگر وجود روابط سیاسی روبه گسترش با کشورهای جهان و ورود روز افزون افراد بیگانه که با رعایت مقررات و بطور قانونی وارد کشور می‌شوند، ما را ملزم می‌سازد که قبل از بروز هرج و مرج و بی‌نظمی حاصل از کمیت و کیفیت روبه گسترش جهانگردان ورودی، با تدوین استراتژی و برنامه ریزی و آینده‌نگری به استقبال آینده رفته و با نظم و نسق بخشیدن به جهانگردی کشور، در «توسعه

اقتصادی و اجتماعی کشور و کسب درآمد ارزی» از آن بهره گیریم.

اهداف توسعه جهانگردی کشور

در مورد اهداف توسعه جهانگردی نظام جمهوری اسلامی، دیدگاه‌های متفاوت از طیف «فرهنگی محض» تا طیف «اقتصادی محض» همچنانکه اشاره شد، مطرح می‌شود. برای مثال، برخی اهداف مشروح کشور از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون عبارتند از:

- توسعه جهانگردی جهت «صدور انقلاب اسلامی و نشر دین اسلام»
- توسعه جهانگردی برای «آشنا ساختن بیگانگان با فرهنگ اسلامی و ملی و دستاوردهای انقلاب اسلامی»
- توسعه جهانگردی برای «بسط و توسعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای جهان»
- توسعه جهانگردی بمنظور «تحقق برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی در چارچوب مقررات و مصالح نظام جمهوری اسلامی ایران»

- توسعه جهانگردی مطابق با «موازن نظام جمهوری اسلامی ایران»
نگاهی به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پس از انقلاب اسلامی مؤید نظریات مختلف در اهداف جهانگردی کشور است.

اهداف کیفی توسعه جهانگردی کشور در برنامه اول بقرار ذیل بوده است:

- شناسانیدن فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به جهانیان
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای صدور انقلاب اسلامی از طریق توسعه صنعت جهانگردی و آشنایی مردم با مظاهر فرهنگ و تمدن ملل مختلف
- شناسایی نقاط طبیعی و دیدنی در سراسر کشور و ترغیب مردم به بازدید از نقاط مذکور در اوقات فراغت به منظور آشنا شدن مردم نقاط مختلف با یکدیگر و تحکیم وحدت اقوام مختلف ایرانی
- افزایش درآمدهای ارزی کشور از طریق جذب جهانگردان و سودآور نمودن واحدهای دولتی (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۹، ص ۲۴).

همانطور که ملاحظه می‌شود، در برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، در کنار اهداف شناسایی فرهنگ و تمدن ایران و نقاط طبیعی کشور، به تحکیم وحدت اقوام مختلف ایرانی و ایجاد زمینه‌های مناسب برای صدور انقلاب اسلامی توجه ویژه گردیده و ضمن اولویت دادن به اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به افزایش درآمدهای ارزی اشاره شده است. در برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، اهداف ذیل تحت عنوان هدف‌های کیفی ایرانگردی و جهانگردی مطرح شده است:

- توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی در جهت شناسانیدن فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی و دستاوردهای انقلاب اسلامی به جهانیان
- احیاء و توسعه قطبها و جاذبه‌ها و مناطق سیاحتی و زیارتی و بهسازی محیط و سواحل دریا برای بارور نمودن اوقات فراغت مردم، بویژه جوانان

- افزایش و تقویت پژوهشها و مطالعات کاربردی و تقویت نظام اطلاعاتی و آماری

- جلب مشارکت مردم و سرمایه‌های خارجی در فعالیتهای بخشی، بویژه در زمینه احداث هتل و دهکده‌های توریستی و مجتمع‌های آبدرمانی و ساحلی

- توسعه آموزشهای عمومی و تخصصی بمنظور ارتقاء سطح کیفیت خدمات بخشی

- گسترش ارتباطات و فعالیتهای بین‌المللی بمنظور شناساندن جاذبه‌های توریستی کشور بویژه به کشورهای آسیایی (وزارت برنامه و بودجه، برنامه دوم توسعه، صص ۱۱ - ۱۰).

صرفنظر از امور اجرایی و ابعاد کمی که بعنوان «هدف» در برنامه مذکور مطرح شده است!، می‌توان به «شناسایی فرهنگ و تمدن ایرانی، اسلامی و دستاوردهای انقلاب اسلامی و جاذبه‌های توریستی به جهانیان» و نیز «بارور نمودن اوقات فراغت مردم بویژه جوانان» اشاره کرد. بنابراین در «برنامه دوم» توسعه کشور، هدفهای «فرهنگی و اجتماعی» جهانگردی غلبه و نمود چشمگیری دارد و از جنبه‌های اقتصادی بحثی به میان نیامده است. برنامه پیشنهادی ایرانگردی و جهانگردی برای ۲۵ سال آینده، اگر چه غیر قابل استناد است، اما نشانگر تفکرات و نگرش حاکم است. تحت عنوان اهداف کیفی و کلان‌گردشگری، اهداف ذیل مطرح شده است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵):

۱- معرفی کشور جمهوری اسلامی ایران

۲- کمک برای رسیدن به استقلال ارزی کشور از نفت، از طریق جذب هر چه بیشتر جهانگردان و افزایش درآمد ارزی

۳- افزایش اشتغال و سطح درآمد عمومی و توزیع مناسبتر درآمدها و توسعه مناطق مختلف کشور

۴- فراهم آمدن زمینه‌های تفریحات سالم و گذران مفید اوقات فراغت مردم

۵- تحکیم وحدت و همبستگی ملی از طریق تعامل فرهنگی و اعتلاء بینش و آگاهی عمومی و اعتقادی مردم نسبت به مسائل کشور و امور اجتماعی
۶- ایجاد و گسترش زمینه‌های تحکیم صلح و تفاهم بین‌المللی از طریق ارتقاء سطح روابط بین ایران و سایر کشورها بویژه کشورهای همسایه و مسلمان
در برنامه مذکور علاوه بر اهداف «فرهنگی و اجتماعی»، هدفهای «اقتصادی و افزایش درآمد ارزی» در جهت استقلال ارزی کشور از نفت هم مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به طیف‌ها و نظرات گوناگونی که درباره اهداف برنامه ریزی و توسعه جهانگردی مطرح می‌شود، این نتیجه را می‌توان انتظار داشت که، هرچه در جهت گیریها، اهداف محض «فرهنگی و مذهبی» مدنظر باشد، ضمن حفظ شدن ارزشهای انقلابی و رعایت شئون اسلامی، منافع اقتصادی «احتمالاً محدودتری» خواهیم داشت و چنانچه در جهت گیریها فقط اهداف مالی - اقتصادی و کسب درآمد بیشتر در هر شرایطی مدنظر قرارگیرد، به جنبه‌های ارزشی و فرهنگی توجه کمتری شده و در این ابعاد، بطور نسبی با «ناهنجاریهای» احتمالی روبرو خواهیم بود.

بسیاری از پدیده‌های موجود اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در جهانگردی بصورت مجموعه‌ای از

سیستم‌های پیچیده و در عین حال متعامل دیده می‌شوند. در یک نگرش سیستمی و نگاه از بیرون، به راحتی می‌توان نقاط مثبت و منفی یک پدیده را بررسی کرد و با کنار نهادن عناصر منفی و جذب عناصر مثبت، راههای عملی توسعه این صنعت را پیمود. در اصول لازم برای تدوین فرآیند برنامه توسعه جهانگردی، اصل حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی، توجه به توسعه پایدار (محیط زیست، منابع جهانگردی و...) احترام به فرهنگ قومی و سنتهای مردم مناطق مختلف، باید مدنظر قرار گیرد.

استراتژی سیاحتی و هدف اصلی از جهانگردی باید «توسعه همه جانبه و پایدار» اجتماعی و اقتصادی و مادی و معنوی انسان باشد. همچنانکه سازمان تجارت جهانی در بیانیه «مانیل» در سال ۱۹۸۰ اظهار داشت: «در توریسم عوامل معنوی باید متقدم بر عوامل تکنیکی و مادی باشند.» این عوامل معنوی عبارتند از:

۱- اغنای کامل انسانها

۲- سهیم شدن دائمی در آموزش

۳- برابری سرنوشت همه ملتها

۴- آزادی انسان بمنظور احترام به هویت و شأن وی

۵- تصدیق و تأیید اصالت فرهنگی و احترام به میراث اخلاقی ملتها

در «توسعه همه جانبه و پایدار»، جهانگردی وسیله‌ای است در خدمت «اعتلای انسان»، نه اینکه انسان صرفاً اسیر تمایلات مادی توریسم که امکان سقوط ارزشهای انسانی را دارد، بشود. با حفظ «کرامت انسان» و «جامعه بشری» است که می‌توان توریسم «سالم و هدفدار» داشت. همان سیر و سیاحتی که در آئین اسلام مورد تشویق قرار گرفته است (محمد شاه ولیسم، ۱۳۷۵، ص ۳۶).

بنابراین در برنامه‌ریزیهای توسعه توریسم در چارچوب اصول اعتقادی و قوانین و مقررات کشور، لازم است با هدف «توسعه همه جانبه و پایدار» جامعه، ضمن توجه به «حساسیتهای فرهنگی» و توجه به حفظ «شئون اسلامی و ملی» کشور، با ظرفیت‌سازی جدید و برنامه‌ریزی جامع، نسبت به توسعه اقتصادی و «افزایش درآمد ارزی» و «اشتغال» در این بخش اقدام کرد (پورا احمد، ۱۳۷۸).

منابع و مأخذ

- ۱- پوراحمد، احمد، استراتژی و اهداف طرح جامع جهانگردی کشور، همایش پژوهش‌ها و قابلیت‌های علم جغرافیا در عرصه سازندگی، سال ۱۳۷۸
- ۲- دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی، طرح جامع مدیریت و توسعه جهانگردی (شرح خدمات)، دی ماه ۱۳۷۵.
- ۳- سازمان جهانی جهانگردی، برنامه توسعه سازمان ملل - پروژه جمهوری اسلامی ایران - مدیریت و توسعه جهانگردی، ژوئیه ۱۹۹۵.
- ۴- محمد شاه‌ولیس، توریسم در اسلام، ترجمه محسن شجاع‌خانی، نشریه ره‌آورد، سفارت جمهوری اسلامی ایران در هندوستان، شماره اول، ۱۳۷۵.
- ۵- وزارت برنامه و بودجه، برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.
- ۶- وزارت برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲)، انتشارات برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۹.
- ۷- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور سیاحتی و زیارتی، برنامه پیشنهادی ایرانگردی و جهانگردی برای ۲۵ سال آینده زیر نظر اداره کل نظارت بر خدمات سیاحتی و زیارتی، دی ماه ۱۳۷۵.
- ۸- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خبرنامه سومین نشست ملی ایرانگردی و جهانگردی، ۲۰ اسفند ۱۳۷۵.